

با توجه انتخاب کتاب «شاه بی شین» به عنوان کتاب پیشنهادی در روز های دهه فجر، کلبه کتاب فانوس در اولین دعوت خود از نویسندگان، محمد کاظم مزینانی را انتخاب کرده است. این گفت و گوی دانشجویی با نویسنده کتاب «شاه بی شین» در تاریخ یازدهم اسفند در سالن شهید ارشاد دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات در ساعت ۱۶ برگزار می شود.

گاهنامه بسیج دانشجویی دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی(ره) تهران

شماره چهارم ۲۵ آذر ۹۳ قیمت ۵۰۰۰ تومان

حاشیایا

کتابهای «شاه بی شین» به قلم محمد کاظم مزینانی و «گفتگوی انتقادی با علوم اجتماعی» که اثریست جمع آوری شده از صحبت های استاد حسن رحیم پور اذغدی میهمان این روز های کلبه کتاب فانوس هستند که به عنوان کتاب های پیشنهادی با تخفیف عرضه می شود.



یادداشت روز

سلاح ایمان

علی عسگری

انقلاب ما انفجار نوری بود که شعاع آن پرده های ظلم و جور و جهل را در تمام ادوار تاریخ حال و آینده شکست . حتی اکنون هم با گذشت ۳۶ سال از آن با همان قدرت ایمان خود پشت شیطان زمانه را به لوزه در می آورد . کسانی که بالا آمدن چند برآمدگی متن وجبی پوشش زنها و گران شدن مرغ و تخم را نشانه خاموشی این نور حق می دانند ، بیایند و ببینند که امروز !.. اکبر های این جوانان چه به روز شیطان و لشکرانش آورده . آخر چگونه رنگ خاموشی می گیرد اندیشه ای که ریشه اش در توحید است و بر خدای افلاک نظر دارد . برخی در این بین می گویند که مگر !.. اکبر و مرگ بر آمریکای این روز چه ثمری دارد در حالی که اکنون آمریکا بر اریکه قدرت سوار است ؟ این امر برای کسانی که دل خود را در این عالم فانی کشته اند و جایگاه اصلی خود را فراموش کرده اند قابل درک نیست اثرات این چنین روزهایی . اما کسانی که هنوز تاثیر عالم ملکوت را بر ملک انکار نکرده اند و به شریفه یددا... فوق ایدیهم ایمان قلبی آورده اند می دانند که هر شعارشان تا افلاک بالا می رود و پایه های سست این خانه عنکبوت را می لرزاند و هر تکبیر و ذکرشان پرده های جهل این شیطان بزرگ را می درد . قدرت فریبنده غرب بر سه عنصر جهل ، ترس و فریب استوار است . جهل برای پوشاندن تناقضات درونی بسیارش و ترس برای ایجاد یک توهم قدرتی بی نهایت و فریب از طریق ظاهری زیبا برای پیوستن دیگران به خود . ۲۲ بهمن روزیست که خمینی کبیر با سلاح ایمان و خون همه این پرده ها را از بین برد . نه تنها اسمال و نه تنها سال های دیگر این چراغ عالم گیر خاموش نمی شود چرا که بنیاد خود را بر فطرت انسان پایه ریزی کرده است . چگونه کربلا از یاد می رود . چگونه چیزی که با خون خدا گره می خورد خاموش می شود . اگر امروز سید شهیدان اهل قلم زنده بود و این بیعت دیگر باره مردم با امام را می دید آن را بعثت دگر باره این بشر هبوط کرده می دانست . امروز همه از پیر و جوان تا زن و مرد با هر اعتقادی آمده بودند تا همانطور که امام گفت همه فریاد هایشان را بر سر آمریکا بزنند.



گاهنامه اجتماعی، علمی، سیاسی «حنیفا» صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی(ره) مدیر مسئول: حسین کیانی طادی سر دبیر: محمد حسین تیرآور تحریریه: اکبر کشاورز، نسلی بخش، ط.عطایی



basii_journal@chmail.ir

مصاحبه با دکتر اردشیر انتظاری در خصوص نامه مقام معظم رهبری(حفظه ... تعالی) به جوانان اروپا و آمریکای شمالی

نامه‌ای به مدیران فرهنگی

این پیام رهبری در واقع به مدیران فرهنگی کشور است

یک جوان استرالیایی به من می گوید که کی میشود ایران بیاید ما را از دست آمریکا نجات دهد

استادی در دانشگاه پاریس به من گفت که بعد از فروپاشی شوروی تمام امید ما به خیمه شماس



سینمای ایدئولوژیک

نقد رسانه

س. تسلی بخش

به ارزشها را یاد می‌گرفتند... انتقاد گسترده ای که برخی روشنفکر مآبان و منتقدین، به قشر متدین تر در کشور ما وارد می کنند که همواره آنها را محکوم به ایدئولوژیک کردن سینما می‌کنند و آن را از پیش شکست خورده فرض میکنند و معتقدند که ماهیت هنر باید خالی از

رسانه به عنوان اثرگذار ترین ابزار ، میتواند بهترین ابزار برای تبلیغ و حتی تثبیت یک عقیده باشد . مثال روشن و عینی آن هم سینمای دوره بلشویکها ست که در آن زمان، روسها سبک جدیدی برای سینما و ادبیات پایه گذاری کردند، به نام سبک «رنالیسم سوسیالیسم» که



ایدئولوژی باشد تا نهایتا ناب و موفق بشود ! مثلا می‌گوییم فیلم درباره ابعاد اعتقادی و ارزشی انقلاب ، یا می‌گوییم فیلم درباره دفاع مقدس آن‌طور که واقعا بود ! نه آن‌طور که تعبیر آقایانی ست که خودشان یک ساعت هم در جبهه های جنگ حضور نداشتند! در جواب می‌گویند که هنر را الوده ایدئولوژی خود نکنید ! ساحت مقدس سینما را با اینکار خدشه دار نکنید ! چرا که سینما ماهیتا باید بی طرف باشد و جهت گیری آن را از موفقیت و اثرگذاری ، باز میدارد ! در حالی که واقعیت این نیست و واقعیت این ست که سینما و

طبق اصول اولیه این سبک، سینما و ادبیات تماما در خدمت حزب قرار می‌گیرد و تنها رسالت آن، تفهیم ارزشها و تقویت انگیزه های مردم انقلابی است . که با همین شیوه، تقریبا نیمی از جهان به حزب سوسیالیسم پیوستند و جهان غرب، به شدت تحت فشار قرار گرفت (به خصوص در سالهای جنگ سرد) و همین امر خود به تنهایی کافیست تا به یقین برسیم که سینمای ایدئولوژیک ، لزوما یک سینمای محکوم به شکست نیست ! (طبق ادعای همان به اصطلاح سینماگران روشنفکر مآب) سینمای رنالیسم سوسیالیسم، هرچند که از نظر

محتوایی که تبلیغ می‌کرد مطلقا مورد تایید ما نیست، اما از لحاظ قالب و روش، می‌تواند مثال خوبی باشد برای اینکه بدانیم سینما، چقدر می‌تواند الگو ساز و ارزش پرور باشد . این روزها ایام دهه فجر را پشت سر گذاشتیم، و به رسم همیشگی این دوران، همزمان می‌شود با « بزرگ ترین جشنواره فیلم های سینمایی در ایران» .

و تنها سوالی که تمام این ایام در ذهن من تکرار می‌شود این ست که : چند درصد از سینماگران کشور ما ، برای انقلاب، و برای ترویج ارزشهای اسلامی و حقیقی کشورمان، فیلم می‌سازند ؟ چند درصد از فیلم ها متناسب با فرهنگ واقعی و اصیل ایرانی ساخته شده و چقدر از پتانسیل موثر و ارزشمندی مثل رسانه و سینما، در جهت منافع کشور و فرهنگ انقلابی مردم است ؟ - اگر مخرب آن نباشد البته!.. -

*پ.ن: بزرگی میگفت : از خوردن انگ کلبه ای بودن ارزشهایتان، نترسید ! از اینکه محکومتان کنند به اینکه چرا حرفهای همیشگی تان را مدام تکرار می‌کنید، نترسید! می‌گفت اصول ما، حتی اگر تکراری هم باشند، باز در معرض فراموشی هستند، باید تکرار بشوند به زبانها و روشهای مختلف، به همین خاطر هم خداوند، در دینش ذکر و تذکر را قرار داده است ... برای مرور مدام و پی در پی اصول ..

سرمقاله

ایرانی که من دارم

ط. عطایی

ایرانی که من دارم...

یکی از راه های شناخت بهتر پدیده ها و مفاهیم مختلف مقایسه آن پدیده با پدیده هایی از جنس خود و شبیه به خود است ! انقلاب اسلامی و جایگاهی که امروز برای خود یافته است نیز از همین منظر می تواند با انقلابهایی که در سایر نقاط دنیا موجب بروز تحولاتی شده قیاس شود. اما نکته حائز اهمیت در تبیین جایگاه کشورها پس از انقلاب این است که دستاوردهای این انقلابها باید با توجه به شرایط فعلی آنها و همچنین فشارهای داخلی و خارجی موجود ،نسبت به آن تبیین شود. نگاهی خاص به مقوله پیشرفت بعد از انقلاب شاید گاهی ذهن را به چالش بکشانند!

پیشرفت آنچه جای دیگر و اینجا رخ داده شاید با هم خیلی فرق داشته باشند! طبیعی است که فرق کند! چرا که در مسیر پیشرفت یک انقلاب مانعی بیرونی برای تهدید وجود ندارد اما انقلابی که در ایران رخ داد از روز اول تحریم می شود و با موانعی مثل جنگ تحمیلی باید کارش را پیش ببرد.پیشرفت در کشورهایی که طی چند سال می توانند ثروت باد آورده ای را که حاصل غارت کشورهای مختلف دنیا در افریقا و آسیا و به منظور پیشرفت خود و افزایش منافع ملیشان به کار گیرند فرق می‌کند با پیشرفت کشوری که در آغاز راه حتی منافع ملی‌اش هم در خارج از مرزها بلوکه می شوند!

در این راستا میتوان از خود پرسید چطور میشود که دستاورهای یک انقلاب ، نماد بشر دوستی و آزادی خوانده می شود اما انقلاب ما تهدیدی برای جامعه بشری و

ویرترین مخاطبان

پیام های رسیده به سامانه پیامک حنیفا:

۰۹۱۹۴۸۰۰۰۲۸۹۶

سلام: سعی کنید برای ترم بعد اخبار دانشکده را نیزاطلاع رسانی کنید؟

حنیفا:پیشنهادتون بسیار خوب بود،این هدف با کمک خود دانشجویان محقق میشه.ممنون از شما

۰۹۱۲۱۱۳۰۰۰۹

تشکر بابت ترم فعالی که داشتین.کلاس جریان شناسی و آمریکا شناسی با حضور استاد ایزدی در ترم بعد برگزار میشه؟

حنیفا:بله،حتما، منتظر انتخاب واحد دانشجویان و زمان بندی کلاس ها بوده ایم. البته این کار شده.تشکر از شما

۰۹۳۷۰۰۰۹۴۲۵

عرض خسته نباشید.چرا تا به حال مصاحبه ای با موضوعی خاص نداشته اید؟ حنیفا:باتشکر از وقتی که گذاشته اید پیشنهادتون در این شماره عملی شده.

۰۹۱۲۸۴۰۰۰۰۱

باسلام، از تیرت ضعیف «حسن فقط عباسی» مشخصه که بسیج دنبال جناح بندی سیاسی نیست!!!!

حنیفا: پرستون نیاز به توضیح حضوری داره، در دفتر بسیج پذیرای شما هستیم. خیلی خیلی ممنون از پیامتون

مخاطبان حنیفا از این شماره به بعد می‌توانند نظرات و سخنان خود را نسبت به نشریه از طریق سامانه پیامکی نشریه با ما درمیان بگذارند

۵۰۰۰۲۴۴۴۲۴

سرمقاله

ادامه صفحه اول...

چطور می شود یکی پیشرفت روزافزوش مورد تشویق جهانیان واق می شود اما دیگری مورد تمسخر عده ای به ظاهر روشنفکرا!

پیشرفت باید متفاوت باشد بین کشوری که بدون کمترین سنگ اندازی بیگانگان یا عامل فشار از خارج مرزها، کار خود را شروع کرده باشد و کشوری که کوچک ترین اقدامش زیر ذره بین های حقوق بشر(بخوانید حقوقی که پیش فرض هایش بر مبنای منافع یک سری آدم های خاص باشد) به حق یا ناحق محکوم میشود!

پیشرفت متفاوت است بین کشوری که حتی نامه رهبرش به جوانان غرب بایکوت میشود و کشورهایی که هر چه دل تنگشان میخواهد با غول های رسانه ای به دنیا می قبولانند!

اصلا پیشرفت باید متفاوت باشد بین کشورهایی که مبنایشان بر پایه اومانیسیم و لیبرالیسم و اصل سود شخصی با چاشنی خودخواهی باشد و انقلابی که یکی از مبانی آن حمایت از مستضعفین ، نه در سطح کشور خود بلکه در تمام دنیا باشد.

فرق میکند شرایط بین کشورهایی که ادعای حقوق بشرشان گوش فلک را کر کرده و هر چه مخالف نظر و انگاره شان ببینند محکوم کنند (با یک پوشانه عظیم و ذخایر سرمایه های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی) و کشوری که هر روز به دلیل نقض حقوق بشر به حق و ناحق تحریم می شود! همان حقوق بشری که در کشتار بیرحمانه مردم غزه و افغانستان و عراق سکوت میکند! همان حقوق بشری که پرچمش را کسانى بلند کرده اند که در پرونده شان جنگهای جهانی و کشتارهای عظیم دنیا برق می زند !همانها که سرتاسر تاریخ ، میبشتشان غارت ، مشی‌شان وحشی گری و استعمار و استثمار بوده و با دروغ نبرنگ های زیبای رسانه ای شان خود را بَزْک می کنند .همین ها امروز برای ما داعیه دار حقوق بشر شده اند!

پیشرفت باید متفاوت باشد بین کشوری که مستشارانش در دول شرقی حق کاپیتالیسیون برای خود تصویب می کنند و کشوری که به محض دست یافتن به موفقیت های هسته ای دانشمندانش ترور می شوند.

باید فرق داشته باشد همه چیز بین کشوری که یک نیروی درونی بر مبنای عقاید و ارزشهای خاص اسلامی ،اراده جمعی را بسیج کند برای رسیدن به هدفاهدفی که نه دنبال آب است و نه نان.اهدفی که به دنبال برابری انسانهاست از جهت بندگی بر خالق نه مستعمره مخلوق!

آنجا داشتن سلاح هسته ای را تمدید میکنند تا ابد الدهر!اینجا برای دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته ای باید بروی و مذاکره کنی مذاکره ای گیر افتاده در دور تمدیدهای طرف مقابل .

آنجا یک خلبان تربیت می شود که با فشار دادن دکمه ای می تواند هیروشیمایا در مقابل نگاه های بهت زده جهانیان به کام مرگ فرو برد ، اینجا رزمنده ای تربیت می شود که قطره های آخر آب قمقمه اش را به اسیر عراقی می دهد!

فرق میکند...همه چیز فرق می کند!

جنس پیشرفت های انقلاب ما فرق دارد با جنس پیشرفت های انقلاب های جهان ، چراکه پیشرفت های انقلاب خمینی کبیر برای یکسان شدن انسان ها و زمین زدن ظالمان است.

یادمان باشد خطرهای دیگری هم برای جلوگیری از پیشرفت های ما هست که بدترین آنها این است که یک ملت روزی نهال همین انقلاب با آن آرمان های خاص خود را در دست داشتند بشوند رفیق نیمه راه!

بشوند دهان برای بازگو کردن هر آنچه در دل دشمنان انقلاب! همان ها که باطل را ترجیح دهند بر حقیقت.

راستش من نمیدانم کدام کلمه برای بیان این بی اعتنایی و کم لطفی به کشور و ملت خود می تواند مناسب باشد اما می توانم با یقین بگویم هر جامعه ای که افرادی همراهش نباشند از هم می پاشد!به حق یا ناحق!

ایرانی که من دارم یک نهال است که با دست پر توان ما باید درخت تنومندی شود برای مقابله با تندبادهای زمانه!به شرط همراهی به شرط باهم بودن به شرط یکی شدن ...

نامه مقام معظم رهبری به جوانان اروپا و آمریکای شمالی باعث اظهار نظر بسیاری از صاحب نظران شده است، در این میان دکتر اردشیر انتظاری استاد جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی و معاون آموزشی این دانشکده که سالها پیش مولف کتابهای علوم اجتماعی دوره راهنمایی هم بود، در گفتگوی با «حنیفا» به بررسی ابعاد مختلف این نامه پرداخته است.

حنیفا:تحلیل شما از نامه رهبری و زمانی که نامه را به جوانان اروپایی و آمریکایی دادند بفرمایید؟

به نظر بنده تحلیل های مختلف و متنوعی میشود ارائه کرد هرکسی از یک زاویه ای میتواند تحلیل کند، من تلقیم این است که این نامه تحولی‌ست در سیاست گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی. این پیام در واقع به مدیران فرهنگی کشور است.چون ما در سالهای بعد از انقلاب بیشتر نشستییم و منتظریم که آنها برنامه فرهنگی تدوین کنند،.ما تلاش میکنیم که به نوعی مقابله بکنیم و منفعلانه و ضعیبت را مدیریت بکنیم که این همیشه با کاستی هایی رو برو بوده و مسائلی را برای ما ایجاد کرده ،این نامه نقطه عطفی‌ست در این جهت که ما فعال برخورد بکنیم در مدیریت فرهنگی کشور و برویم انگشت مدیریت فرهنگی کشور رو بگذاریم روی منابع خارجی و یکی از این منابع مهم خارجی همین جوانان کشورهای اروپایی و آمریکای هستند که از همه مستعد ترند برای اینکه با مسائل فرهنگی جامعه خودشان مواجه شوند . این نامه ای که رهبری دادند در واقع آغاز یک مواجهه فعال میتواند تلقی بشود برای فعالیت های فرهنگی . خب ما الان در غرب بسیاری نقاط ضعف و مسائل مختلف فرهنگی شاهد هستیم که میتوانیم روی آنها کار بکنیم. در واقع یک نوع هم‌آوردی فرهنگی وجود دارد.در این هم‌آوردی فرهنگی ما باید با دشمنمان مواجه درستی داشته باشیم یعنی دفاعی بازی نکنیم که او نقاط ضعف ما را شناسایی کنند و به ما ضربه بزند این کار(نامه رهبری) در واقع انگشت گذاشتن روی نقاط ضعف دشمن است.

ممکن است مردم فکر کنند پیامی فرستادند کسی آنجا گوشش بدهکار این حرفها نیست، در حالی که من تصویری که از جوامع غربی دارم اینطور نیست، این پیام رسیده و منشأ اثر شد است ،به خصوص در جوامع غربی خیلی وقتها من خودم این را بررسی کرده‌ام، در واقع تجربه داشته ام که افراد وقتی که در معرض نظام تبلیغاتی قراردارند با یک وضعیت یکسانی روبرو هستند، به محض اینکه موضوع متفاوتی میشوند انگار همه حواس ها به آن سمت جلب میشود.کنجکاوند!چون همه به یک سمت میروند یک دفعه مسئله متفاوت جلب توجه میکند، میگویند این چیست؟ متفاوت است؛ این پیام حضرت آقا حکم همین را داشت،یک استثنا در تمام پیامهای تبلیغاتی که غربی ها دریافت میکنند بود، آن هم به عنوان یک آدمی که دارد بی تعصب دعوت میکند به ارزیابی، دعوت میکند به قضاوت، یعنی برای آن مخاطب ارزش قائل میشود، در حالی در نظام تبلیغاتی غربی برای مخاطب ارزشی قائل نیستند. آقا هزینه خودش را انجام داد.

حالا دستگاههای فرهنگی بیایند دنبال پیگیری تأثیرات نامه، باید ببینیم وزارت ارشاد چه کار میکند، وزارت امور خارجه چه کار میکند.. دانشگاهها چه کار میکنند، الان مسیر کاملا روشن است که چه کار باید کرد.

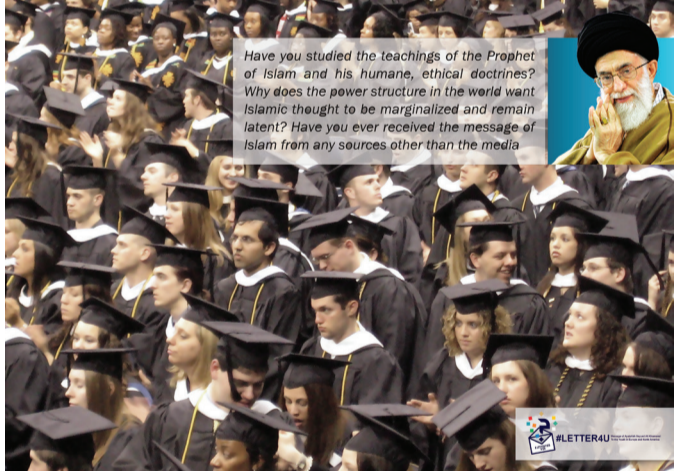


حنیفا:یعنی کم کاری یه سری دیگر که در این ۳۵سال فقط شعار صدور انقلاب را میدادند، ایشان با این کارشان میخواستند بگویند که خط مشی باید طوری باشد که ما پیشنهاد باشیم

حنیفا: یعنی وظیفه ایشان نبود؟

نه، وظیفه ایشان نبود، سطوح پایین تر باید ورود پیدا میکردند و برنامه های عملی شان باید در این جهت می‌بود ولی به هر صورت نبوده و ایشان به عنوان رهبر نه فقط کشور ایران به عنوان رهبر

جهان اسلام مسیر درست را نشان میدهند، ایشان با این پیامشان علاوه بر اینکه جوانان اروپایی را دعوت به قضاوت میکنند، دعوت به ارزیابی میکنند، علاوه بر آن برای مدیران فرهنگی، برای تمام دلسوزان،خودشان را مسلمان میدانند، انقلابی می‌دانند، مسیر فعالیت را مشخص میکنند، واقعا مسیر فعالیت ما از آن طرف است، اصلا از داخل نیست که این همه انرژی میگذاریم داخل، این چیزی را به



۵۰کیلو با یک ۵۰ کیلو،آیا حرفی که ما می‌خواهیم به غرب بزنیم را اینقدر بزرگ می‌بینیم که در مقابل غرب بتواند هم‌آوردی کند؟کمی در مورد این توضیح بدهید .

ببینید این بحث هم‌آوردی چیز جدیدی نیست، ما از اول انقلاب داریم هم‌آوردی می‌کنیم و وقتی که هنوز حضور داریم یعنی آن قدر قدرت داشتیم که از بین نرفتیم، یعنی اگر قرار بود اینجوری نگاه کنیم که آنها قوی هستند ما ضعیف هستیم، قاعدتا طبق این منطق ما تا حالا از بین رفته بودیم، در حالی که ما از بین نرفتیم وعلتش هم این است که دشمن ما فقط ضعف متعددی دارد وخیلی وقتها میشود که بیشتر به توانمندی ما کمک کرده، به دلیل اشتباهات استراتژیکی که انجام داده است عملا به توانمندی ما افزوده، این توان فرهنگی ما در واقع تاریخ ما ست، در اسلام است، فرهنگ شیعی،فرهنگ اسلامی درجامعه ما

نامه‌ای به مدیران فرهنگی

را نسبت به پیام رسانه ها حساس کنید، آنها را در واقع دعوت بکنید به تفکر انتقادی، ببینید یکی از نکاتی که ایشان مطرح کردند بحث رویکردهای انتقادی بود، رویکردهای انتقادی به تاریخ، اگر مخاطبین انتقادی برخورد بکنند دیگر اصلا

به هر صورت یک فرهنگ ریشه دار است، شاید در واقع این تلاشی که خود غرب میکند در پیام آقا بود دیگر که چهره مخدوشی از اسلام ارائه بکنند به خاطر ترسی ست که از اسلام دارند چون میترسند که عین اسلام که بیاید منافعشان به خطر خواهد افتاد ، در واقع خیلی نیاز نیست ما پیچیده در موردش فکر بکنیم خیلی هم تحلیلی نیست، مثلا همین اقدامی که میکنند، همین داعشی که درست شد نشان می‌دهد ترسی که آنها دارند، وحشتی کا آنها از اسلام دارند،که اگر اسلام بیاید به غرب خوب می‌تواند به اصطلاح خیلی از نقاط ضعف و نقاط بحرانی آنها را برملا کند. و ما با این پیام یک جور دست درازی کردیم عملا به سمت این نقاط ضعف ونقاط حساس، و آن نقاط حساس رو نشان دادیم.

و من فکر نمی‌کنم که ما در این جریان خیلی ضعیف باشیم. اتفاقا خیلی هم قدرتمند هستیم مشکل ما این است که از توان خودمان بی اطلاعیم.اینظوری حمله ور بشوید به سمت خیلی ازچیزهایی که آنها دارند، فسادی که در غرب وجود دارد، اینها یکی یکی بحث شود و زیر سؤال ببرید،مشکلات خانواده و... فطرت آنها را دست کاری بکنیم، روی آن نقاط ضعف و مشکلاتی که درجامعه غربی هست، حالا از قدرت سیاسی گرفته که اینها را بی رحمانه دارند هویت انسانی را از آنها میگیرد،فکر را از آنها(جوانان غربی)می‌گیرد،از آنجا می‌شود شروع کرد تا بسیاری از مسائل ریزتری که در فعالیت اقتصادی وجود دارد، در فعالیت های اجتماعی، سیاسی نیز به چشم می‌خورد.

حنیفا: جالبه خیلی افرادی که اینجا هستند می‌خواهند بشوند

غربی.

بله واقعا خیلی از اینهایی که رفتند، من خودم یکی از بستگانم که خیلی دوست داشت دراسترالیا زندگی کند، آدمی که با نظام واینها هم پیوندی ندارد رفت آنجا می‌گفت که جوانهای استرالیایی به من می‌گویند که کی می‌شود ایران بیاید ما را از دست آمریکا نجات دهد،از شر آمریکا نجات دهد،این یک جوان استرالیایی آمده می‌گوید ...ناقل این حرف هم فردی نیست که نسبت به این نظام تعصب داشته باشد..میگوید کی میشود ایران بیاید ما را از شر غربی ها و آمریکا نجات دهد ..خب نه اینکه بگوییم همه این حرف را می‌زنند، نه،ولی یک نفر هم این حرف را بزند خودش خیلی‌ست.استادی‌در دانشگاه پاریس به من گفت که بعد از فروپاشی شوروی تمام امید ما به خیمه شماست...مسئله این است..در واقع قدرت ما اینجاست که غرب با این دشمنی‌هایی که با ما کرده عملا گرا داده به تمام دنیا...!این که درکشورهای عربی این همه نسبت به جمهوری اسلامی ارادت دارند از کجا دارند؟!..من مراکش رفتم انگار اینها زیر دست جمهوری اسلامی پرورش پیدا کردند اردتشان هم به جمهوری اسلامی اینجوری بود...چرا این جور است...ما که کاری نکرده‌ایم،نه‌نمایندگی سیاسی داریم نه نمایندگی فرهنگی داریم.. رسانه ها هم که دست آنها یعنی غربیها هستند...به خاطر این است که غربیها خودشان گرا دادند، در واقع با دشمنی‌هایی که با ما کردند عملا برای ما قدرت ایجاد کردند.

انقلاب برای چه بود؟



به گزارش معاونت سیاسی بسیج دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی، مناظره صادق زیبا کلام، اسلاد علوم سیاسی دانشگاه تهران و علی خزریان دبیرسابق انجمن های اسلامی مستقل با موضوع «انقلاب برای چه بود؟» یکشنبه ۲۶ بهمن ماه از ساعت ۱۳ الی ۱۷ در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی(ره) برگزار می شود. از دیگر برنامه‌های این مراسم اجرای گروه موسیقی «نبض» است.

ایستگاه ششم بهشت خاکی

مصطفی اسدی مسئول اردوی راهیان نور بسیج دانشجویی دانشگاه علامه طباطبایی در گفت و گو با حنیفا اظهار داشت: ثبت نام اردوی راهیان نور امسال دانشگاه علامه از ۲۶ بهمن ماه آغاز میشود که علاقه مندان برای ثبت نام می توانند به دفاتر بسیج دانشجویی مراجعه کنند. اسدی در ادامه گفت : زمان این اردو از ۱۷ تا ۲۳ اسفند ماه خواهد بود و وسیله رفت و برگشت دانشجویان قطار است، همچنین مراسم افتتاحیه این اردو که ششمین بهشت خاکی نام دارد، روز پنجم اسفند و در دانشکده اقتصاد خواهد بود.

شروع مجدد کار گاه آمریکا شناسی



کارگاه آمریکا شناسی استاد فنواد ایزدی، عضو هیئت علمی دانشکده مطالعات جهان و دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. این هفته در دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی مجددا شروع خواهد شد. این کارگاه که در ترم گذشته آغاز شده بود، به دلیل شروع امتحانات، فقط یک جلسه برگزار شد و ادامه جلسات به ترم بعد موکول شد.

علاقه مندان به شرکت در این کارگاه برای ثبت نام میتوانند تا روز دوشنبه به دفتر بسیج دانشجویی مراجعه کنند.

اعتراض به BBC



به گزارش حنیفا بنا بر گزارش این نشریه لندن «رای الیوم»، روز پنج شنبه چند نفر در مقابل ساختمان رادیوی «بی بی سی» انگلیس تجمع اعتراض آمیز برگزار کردند. آنان به این رادیو به علت عدم پوشش کافی خبر کشته شدن سه مسلمان در ایالت کارولینای شمالی اعتراض داشتند. شامگاه روز سه‌شنبه، سه دانشجوی مسلمان آمریکایی، ۲۳ ساله، ۲۱ ساله و ۱۹ ساله (زن، شوهر و خواهر) در نزدیکی دانشگاه «کارولینای شمالی» در «چپل هیل» مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و کشته شدند.

کشته‌شدگان، دو خواهر فلسطینی به نام‌های «رزان» (۱۹ ساله) و «یسر» (۲۱ ساله) همراه با یک پسر اهل سوریه به نام «ضیاء برکات» (۲۳ ساله) بودند. قاتل، فردی به نام «کریگ استفن هیکس» ۴۶ ساله است که مدام در صفحه فیس‌بوک خود مطالب ضد اسلام به اشتراک می‌گذاشته است.

وی در یکی از پُست‌های خود در فیس‌بوک نوشته است: «با توجه به زبان و ضرری که از جانب دین شما به جهان وارد می‌شود، می‌توانم بگویم که این صرفا حق من نیست که به شما توهین کنم،

بلکه وظیفه من است.»

(منبع: خبرگزاری فارس، جام نیوز)